



پیشوا صدق



نویسنده: فاطمه صلاحی

ویراستار: سیده منصوره رضوی

طراح گرافیک و صفحه آرا: امین کوثری

چاپ: مؤسسہ فرهنگی قدس

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵، شمارگان: ۵۰۰۰

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی

ضلع غربی، مدیریت فرهنگی

تلفن: ۰۵۱-۲۲۰۰۲۵۶۹ صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۵۱

حق چاپ محفوظ است.

۶	امام صادق <small>علیه السلام</small> ؛ مظهر امید صادق
۷	سبک زندگی صادق آل محمد <small>علیهم السلام</small>
۸	۱. تلاش و سازندگی
۹	۲. از تو حرکت؛ از خدا برکت
۱۰	۳. زمان شناسی
۱۲	۴. در اندیشه مردم
۱۳	۵. بخشنده و مخلص گمنام
۱۶	۶. صداقت و امانتداری
۱۷	۷. برخورد کوبنده با دشمن
۲۰	۸. رفتار پسندیده
۲۲	۹. انس با حق؛ آخرین سفارش
۲۳	عرصه های جهاد علمی امام صادق <small>علیه السلام</small>
۲۴	۱. شکوفایی دانشگاه جعفری
۲۵	۲. امام صادق <small>علیه السلام</small> و تربیت جوانان
۲۶	عرصه های جهاد سیاسی امام صادق <small>علیه السلام</small> از منظر رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)
۲۷	۱. تبلیغ جریان اصیل امامت
۲۸	۲. شیعه؛ نامی برای حزب امامت
۲۹	۳. انتصاب ولایت فقیه
۳۱	زیارت امام صادق <small>علیه السلام</small>
۳۴	کتابنامه
۳۶	مسابقه فرهنگی



مقدمه

در مدینه غوغایی به پااست. ملائک در تشییع بدن نورانی ششمین اختر ولایت، صادق آل محمد علیه السلام و مشایعت آن به عالم ملکوت از آسمان به زمین آمده‌اند. شب‌ها اثری از آذوقه بالای سر نیازمندان نیست. دل‌های شیعیان در فراق رئیس مذهب تشیع، امام صادق علیه السلام داغ‌دار و اندوهگین شده است. صحن و سرای حریم باشکوه رضوی نیز در این روزهای پر از اندوه، سیاه‌پوش و چشم‌ها بارانی است.

به‌راستی ما شیعیان چقدر با معارف و سیره زندگی این امام همام، آشنایی داریم و چقدر توانسته‌ایم آن را سرمشق و الگوی زندگی خود قرار دهیم؟

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) بارها بر اصلاح سبک زندگی مسلمانان بر اساس دین اسلام و نیز سیره و منش معصومین علیهم‌السلام که الگوهای انسان کامل هستند، تأکید



کرده‌اند؛ چنان‌که می‌فرمایند: «مسئلهٔ سبک زندگی از مهم‌ترین مسائل است. یکی از اهداف دشمنان اسلام این است که سبک زندگی مسلمان‌ها را عوض کنند و شبیه سبک زندگی خودشان بکنند [؛ درحالی‌که] اسلام برای ما یک سبک زندگی آورده است.»^۱

در نوشتار حاضر کوشیده‌ایم فرازهایی از زندگی امام صادق علیه السلام را در عرصه‌های اجتماعی، علمی، سیاسی و اقتصادی به زائران و مجاوران حریم رضوی تقدیم کنیم. امید است این تلاش توشه‌ای باشد برای آخرت‌مان.

۱. بیانات در دیدار با ائمهٔ جمعهٔ سراسر کشور، ۱۴ دی ۹۴.



امام صادق علیه السلام؛ مظهر امید صادق

باتوجه به راه پرمشقت نهضت تشیع [و اقدامات زمینه‌ساز امامان پیشین]، امام صادق علیه السلام مظهر امید صادقی بود که شیعه سال‌ها انتظارش را می‌کشید؛ یعنی همان قائمی که انقلاب شیعی را در سطح وسیعی از جهان اسلام بر خواهد افروخت. منظور از قیام‌کننده کسی است که بر ضد قدرت مسلط، قدرتمندان کمر می‌بندد و به‌پای می‌خیزد و لزوماً با قدرت‌نمایی نظامی همراه نیست؛ بلکه نمایشگریک فعالیت فکری و سازندگی افراد و ایجاد تشکل و رهبری یک نهضت پنهان است.^۱

آری، امام صادق علیه السلام در نگاه شیعیان، مظهر ایدئال‌های امامت و تشیع‌اند. گویا سلسله امامت این عزیز را همچون

۱. نک: سیدعلی خامنه‌ای، پیشوای صادق، ص ۶۰ و ۶۱.

ذخیره‌ای برای ثمربخشیدن به مجاهدت‌های طولانی گذشتگان خود در نظر گرفته است تا حکومت علوی و نظام توحیدی را بازسازی کنند. اتفاقاً موقعیت متزلزل حکومت بنی‌امیه هم موقعیت را آماده کرده بود؛ از این رو امام صادق علیه السلام از نخستین روز امامت خویش تا لحظهٔ بدرود زندگی پرثمرشان، جهادی همه‌جانبه را در عرصه‌های مختلف اجتماعی و علمی و سیاسی آغاز کردند.



سبک زندگی صادق آل محمد علیهم السلام

سیرهٔ زندگی و رهنمودهای راهگشای امام صادق علیه السلام در زمینه‌های سلوک فردی و اجتماعی و نیز معاشرت با دیگران، حاوی نکات ارزشمندی در سبک زندگی اسلامی است. این نکات قطعاً برای زندگی ما سرمشقی نیکوست؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) می‌فرمایند: «در سبک زندگی، انواع سلوک با افرادی که انسان با آن‌ها ارتباط دارد، انواع چیزهایی که در زندگی اجتماعی برای انسان وجود دارد، این‌ها در اسلام هست؛ در مورد سفرکردن، رفتار با دوست، در زمینهٔ رفتار با دشمن [و] در همهٔ چیزها، به‌طور خاص در منابع اسلامی ما [قرآن و سیرهٔ معصومین] موجود است...؛ درحالی‌که تمدن





غربی می‌خواهد سبک زندگی خودش را بر ملت‌ها تحمیل کند.»^۱

در این مجال، به برخی از شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی اشاره می‌کنیم:

۱. تلاش و سازندگی

امامان معصوم علیهم‌السلام همواره جامعه را به تلاش و آبادگری ترغیب می‌کنند و سستی و بی‌توجهی به این مهم را روا نمی‌دارند؛ چراکه تلاش و سازندگی، عزت و افتخار هر فرد است. سیره امام صادق علیه‌السلام نیز گواه این مطلب است.

عبدالأعلی از یاران جعفر بن محمد علیه‌السلام بود. او در هوای گرم تابستان در مسیر مدینه آن حضرت علیه‌السلام را در حال تلاش مشاهده کرد و به ایشان عرض کرد: «با وجود مقامتان در نزد خدا و نسبت خویشاوندی که با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارید، این‌گونه خود را به زحمت افکنده‌اید!» امام صادق علیه‌السلام در پاسخ فرمودند: «خَرَجْتُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ لِأَسْتَعْنِيَ عَنْ مِثْلِكَ»^۲ (من در تلاش برای روزی خود بیرون شدم تا از مثل تو بی‌نیاز باشم.)

روزی دیگر، حضرت در حالی که بیلی در دست و روپوشی

۱. بیانات در دیدار با جوانان خراسان شمالی، ۲۳ مهر ۹۱.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۵۷.

خشن برتن داشتند، در باغ مشغول کار بودند. در همان حال، به یکی از یاران خود که قصد انجام کار ایشان را داشت، فرمودند: «إِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَتَأَذَى الرَّجُلُ بِحَرِّ الشَّمْسِ فِي ظَلَبِ الْمُعَيْشَةِ» (من دوست دارم که مرد در راه تلاش برای رزق و روزی، از حرارت خورشید رنج ببرد).^۱

آری کار و تلاش و سازندگی، سیره و روش امامان معصوم علیهم السلام است تا در عمل، به پیروان خویش بیاموزند که سرافرازی فردی و اجتماعی، در گرو تلاش و کوشش مستمر مسلمانان در تمام زمینه‌هاست و ملت پرکار و پرتلاش، ملتی سرافراز خواهد بود.

۲. از تو حرکت؛ از خدا برکت

یکی از یاران امام صادق علیه السلام از وضعیت سخت زندگی خود به محضر ایشان شکوه کرد. حضرت به او فرمودند که مغازه‌ای در بازار بگیرد و بساط خویش را بگستراند. وی سفارش امام را انجام داد. اتفاقاً بازرگانی از مصر که جایی برای کالاهای خود نیافته بود، مغازه او را اجاره کرد و در بازگشت هم مقداری از اجناسش باقی ماند که آن‌ها را به آن فرد سپرد تا بفروشد. بعد از مدتی، بازرگان از امانت‌داری او مطمئن شد؛ از این‌رو از مصر برایش جنس می‌فرستاد تا بفروشد و درآمد آن را برایش بفرستد. به این صورت سرمایه‌ای نصیب آن مرد شد.^۲

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۵۸.

۲. نک: محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۳۰۹: «إِذْ هَبَّ فَخُذْ حَانُوتًا فِي السُّوقِ وَ ابْسُطْ بِسَاطًا...»



داستان گفته شده این نکته را گوشزد می‌کند: تا زمانی که انسان اقدام به عملی نکند، نمی‌تواند توقع داشته باشد که وضعیت زندگی اش تغییر کند؛ بلکه باید با کار و توکل به خداوند متعال تلاش کند تا بر مشکلات فائق آید. رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) نیز برای گذر از رکود اقتصادی، امسال را به نام «جهاد اقتصادی؛ اقدام و عمل» نام‌گذاری کردند تا به مسئولان و مردم اعلام کنند، فقط و فقط با تکیه بر توان داخلی و وارد شدن به عرصه کار و تولید و پرهیز از کارهای حاشیه‌ای می‌توان از این وضعیت به سلامت عبور کرد.

۳. زمان‌شناسی

در رهنمودهای عترت آل رسول علیهم‌السلام، به ویژه صادق آل محمد علیهم‌السلام برای محور پافشاری شده است که انسان مؤمن باید تلاش کند از اوضاع زمان خویش و جریان‌های اجتماعی آن آگاه باشد. امام صادق علیه‌السلام که آگاه‌ترین فرد عصر خویش‌اند، با شعارها و تظاهر عباسیان به دین‌داری فریفته نشدند و به پیروان خویش هم، چنین هشدار می‌دادند: «... وَالْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْاَلْوَابِسُ...» (کسی که آگاه به زمان خویش باشد، گرفتار شبهات و مسائل مبهم نمی‌شود).^۱

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۶۹.





این رهنمود به خوبی نشان می‌دهد که پیروان امام صادق (ع) بایستی با هوشمندی کامل بر جریان‌های اجتماعی زمان خویش مسلط باشند و در برابر حرکت‌های دشمن، مقاوم و استوار عمل کنند و با داشتن بصیرت و بینش، پیرو امام خویش باشند. رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) نیز به این نکته تأکید فرموده‌اند: «بصیرت و روشن بینی یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد. هنگامی که زمان‌شناسی باشد، انسان می‌داند [در فتنه‌ها] چه کار باید کند.»^۱ بدیهی است در غیر این صورت و بدون داشتن بصیرت و زمان‌شناسی، انسان همانند خسی گرفتار امواج توفندهٔ جریان‌های نوظهور شده و در دریای بی‌کران و متلاطم روزگار، سرگردان خواهد شد و به بیراهه خواهد رفت.

۱. بیانات در دیدار با اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۶ آذر ۹۳.



۴. در اندیشهٔ مردم

هنگامی که در جامعه کمبودی احساس می‌شود، برخی غافل از آنچه بر دیگران می‌گذرد، در اندیشهٔ انبوه کردن امکانات دنیوی خویش هستند تا در فرصت مناسب از انباشته‌های خود بهره‌برداری کنند! حال آنکه، امام صادق علیه السلام در زمان بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در اندیشهٔ رفع مشکلات مردم بودند و حتی از امکانات خویش هم به نفع آن‌ها چشم می‌پوشیدند. در برهه‌ای از زمان در مدینه، احساس کمبود مواد غذایی شد و قیمت کالاها افزایش یافت. در این اوضاع امام صادق علیه السلام از خدمتگزار خویش دربارهٔ مقدار گندمی که ذخیره داشتند، پرسیدند. پرسیدند. خدمتگزار اطمینان داد که تا چندین ماه دیگر ذخیره دارند. حضرت علیه السلام از او خواستند که گندم‌ها را ببرد و در بازار بفروشد. خدمتگزار گفت: «در مدینه چیزی یافت نمی‌شود!» اما آقا باز فرمودند که آن‌ها را ببرد و بفروشد.

وقتی خدمتگزار گندم‌ها را فروخت و برگشت، امام صادق علیه السلام فرمودند: «حالا مثل مردم، روزبه‌روز خریداری کن... خوراک خانواده‌ام را نصف از جو و نصف از گندم قرار بده. خدا می‌داند که من می‌توانم تمام خوراک آن‌ها را از گندم تأمین کنم؛ ولی دوست دارم خداوند ببیند که برنامه‌ریزی در معیشت را



به خوبی رعایت می‌کنم.»^۱

رفتار این بزرگوار علیه السلام برای رهبران و نیز مردم جامعه اسلامی این پیام شفاف را دارد که در اوضاع سخت، فقط به فکر آسایش خویش نباشند؛ بلکه خود را هم سطح مردم قرار دهند و از نعمت‌هایی که در اختیار دارند، به بهترین شکل ممکن که خشنودی ذات اقدس الهی را دربر داشته باشد، بهره گیرند.

۵. بخشنده و مخلص گمنام

روزی امام صادق علیه السلام پنجاه دینار پول به یکی از یاران خود دادند و فرمودند آن را به فلان سید هاشمی بدهد و به او نگوید که از طرف کیست. یار امام نزد آن شخص رسید و کیسه پول را تحویل داد. مرد هاشمی گفت: «خداوند به کسی که این‌ها را داده است، جزای خیر دهد. هرچند وقت یک بار، مقداری پول برای ما می‌فرستد [و نامش را نمی‌گوید]: درحالی که جعفر [بن محمد] با آنکه وضع مالی خوبی دارد، [هرگز به یاد فقرا نیست و] حتی یک درهم هم به ما

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۵۹ و ۶۰: «قَالَ بَعُهُ فَلَمَّا بَعْتُهُ قَالَ اشْتَرِ مَعَ النَّاسِ يَوْمًا بِيَوْمٍ... وَ لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ قَدْ أَحْسَنْتُ تَقْدِيرَ الْمَعِيشَةِ.»



نمی‌دهد.»^۱

هر یک از ما در طول عمر ممکن است کارهای نیک بسیاری انجام داده باشیم؛ اما درنهایت، عملی پذیرفته است که فقط و فقط برای خدا انجام شود و غیرخدا در آن سهیم نباشد. این عمل است که ارزش معنوی دارد و موجب کمال و تعالی روح انسان می‌شود و در قیامت هم به آن، به نحو احسن جزا و پاداش داده می‌شود. در مقابل اگر عمل انسان برای غیرخدا بوده و مخلصانه نباشد، نه تنها سبب کمال نمی‌شود، بلکه انسان را در مسیر شرک به خدا قرار می‌دهد. در مقایسه فردی که برای رضای خدا مسجد ساخته با فردی که مسجدی برای غیرخدا ساخته است، در قرآن کریم چنین آمده است:

﴿أَفَسَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ

خَيْرًا مِّنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانَهَارٍ

بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾^۲

آیا کسی بهتر است که بنیاد [کار] خود را بر

پایه تقوای الهی و خشنودی خدا نهاده است یا

کسی که اساس آن را بر لب پرتگاه سستی بنا کرده

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۲۳: «أَبُو جَعْفَرٍ الثَّخَمِيمِيُّ قَالَ

أَعْطَانِي الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صُرَّةً فَقَالَ لِي ادْفَعْهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَ...»

۲. توبه، ۱۰۹.



است که ناگهان در آتش دوزخ فرو می‌افتد؟! و خدا گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند.

بناکردن مسجد عمل بسیار ارزشمندی است؛ اما اگر این کار با نیت خالص برای خدا همراه نباشد، همین عمل موجب سقوط و بدبختی انسان می‌شود. در آیات و روایات بارها به اخلاص در اعمال تأکید شده است. بشنوید معنای اخلاص را در حدیثی از امام صادق علیه السلام: «الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.»^۲ (عمل خالص آن است که [به خاطر انجام آن] جز از خداوند عز و جل انتظار ستایش نداشته باشی.) آری، در نظر این امام عزیز علیه السلام مهم این است که انسان نزد خداوند شناخته شود، نه در نظر دیگران.



۶. صداقت و امانت داری

امام صادق علیه السلام که خود مظهر صداقت و امانت داری بودند، همواره کسانی را که از محضرشان مرخص می شدند، به راست گویی و امانت داری سفارش می فرمودند. این دو صفت از صفات عالی انسانی است که در حیات دنیوی و اخروی آثار ویژه‌ای دارد؛ از جمله دارا بودن این خصلت‌ها در دنیا موجب محبوبیت میان مردم و اطمینان آن‌ها به شخص راست گو و امین است.

روزی امام صادق علیه السلام از عبدالرحمن، پسر سیابه که جوان بود و تازه پدرش را از دست داده بود، پرسیدند که آیا مایل است سفارشی به او بکنند. عبدالرحمن با اظهار میل و اشتیاق گفت: «بفرمایید، فدایتان بشوم!» امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «عَلَيْكَ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ تَشْرُكُ النَّاسَ فِي أَمْوَالِهِمْ هَكَذَا...» (بر تو باد به راست گویی و امانت داری که در نتیجه آن، با مردم در دارایی‌هایشان شریک خواهی شد...).

عبدالرحمن برنامه عمل خود را براساس فرموده حضرت قرار داد و به برکت آن، سیصد هزار درهم، ثروت پاکیزه به دست آورد.^۱

۱. نک: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۳۸۵.

گاهی به سختی دنبال موفقیت در کار و زندگی هستیم؛ ولی به هدف خود نمی‌رسیم. علت این است که روش درستی را به کار نمی‌گیریم؛ درحالی که برترین راهنما و برنامه زندگی را در اختیار داریم که با عمل به آن می‌توانیم به قله‌های موفقیت و سعادت دست یابیم؛ مثل عبدالرحمن که به سفارش امامش عمل کرد و به موفقیت رسید. متأسفانه صداقت و امانت‌داری که از اصول مهم اخلاقی است در جامعه دینی و در رفتارهای اجتماعی ما، در حال کم‌رنگ شدن است و متأسفانه در برخی مواقع مشاهده می‌کنیم که جای خود را به خیانت در امانت و دروغ و فریب‌کاری داده است. هرچند این نمونه‌ها اندک باشد، باز هم روابط سالم افراد جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد. این نکته‌ای است که هر یک از ما باید از خودمان شروع کنیم و توصیه امام صادق علیه السلام را به گوش جان بسپاریم و در عمل به آن پایبند باشیم.

۷. برخورد کوبنده با دشمن

جعفر بن محمد علیه السلام در عصر خلفایی می‌زیستند که همگی از دشمنان سرسخت اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رفتند؛ اما آن حضرت ضمن رعایت اصل تقیه، در برابر حاکمان زورگویی اموی و عباسی مقتدرانه رفتار می‌کردند.



روزی مگسی چندین بار بر چهره منصور، خلیفه عباسی نشست. منصور هرچه کرد، نتوانست مگس را از خود دور کند. سرانجام به ستوه آمد و با ناراحتی از امام صادق علیه السلام که تازه وارد شده بودند، پرسید: «خداوند برای چه منظوری مگس را آفریده است؟» امام بی درنگ فرمودند: «لِيُذِلَّ بِهِ الْجَبَابِرَةَ» (برای آنکه جباران و گردنکشان را خوار کند.)^۱ منصور با شنیدن پاسخ کوبنده و صریح امام چیزی نگفت و سکوت کرد. انگار می دانست اگر چیزی بگوید، جوابی دندان شکن تر خواهد شنید.

در موقعیت دیگری، منصور عباسی که از فعالیت‌های امام صادق علیه السلام خبرهایی دریافت کرده بود، با عصبانیت ایشان را احضار کرد و در جمع حاضران خطاب به آن حضرت گفت:

ای جعفر،... مردم درباره‌ات به مشتی یاوه و بهتان معتقدند! اینکه تو در مقابل آن‌ها سکوت کرده‌ای و راضی به حرف آن‌ها هستی، خشم خدا را برمی‌انگیزد.

این مردم بی‌خرد گمان دارند که تو شخص اول روزگار، آگاه از اسرار و رازها، حجت گویای خدا، میزان عدل خداوند و... هستی. آنان می‌پندارند

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۱۵۸.

که خداوند عمل کسی را که آشنا به مقام تو نباشد، نمی‌پذیرد. اینان درباره تو غلو کرده‌اند و تو را آن‌گونه که نیستی، قبول دارند! اینک تو خود لب بگشا و این‌ها را راهنمایی کن که نخستین کسانی که حق را به زبان آورده‌اند، جد و پدران تو بوده‌اند و شایسته است که تو پا جای پای ایشان بگذاری و پیرو آن‌ها باشی و راهشان را بیمایی.

او با گفتن عقاید شیعیان درباره امام صادق علیه السلام، انتظار داشت که آن حضرت برای دفع خطر از خود بگوید من این فضیلت‌ها را ندارم؛ اما با پاسخ دندان شکن ایشان رسوا شد:

من شاخه‌ای از درخت پر بار رسالت و چلچراغی از چندین چلچراغ پرنور خاندان نبوت هستم. من تربیت یافته ملائک و پرورده شده در دامان فرشتگان بزرگوام. من مشعلی فروزان و ستاره‌ای درخشان از مجموعه ستارگان روشنایی بخش هدایت و برگزیده‌ای از کلمه باقیه در صلب برگزیدگان همیشه تاریخم.^۱

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۱۶۷: «أَنَا فَرْعٌ مِنْ فُرُوعِ الزَّيْتُونَةِ وَ قَنْدِيلٌ مِنْ قَنْدِيلِ بَيْتِ النَّبِيِّ...»



منصور پس از شنیدن سخنان غزای امام صادق علیه السلام رو به حاضران گفت:

او مرا از دریایی پرموج و بی‌کران و ژرف عبور داد که دانشمندان در آن حیران‌اند. این شخص که همچون استخوانی در گلوی خلفا گیر کرده است، نه تبعیدش رواست و نه قتلش و اگر رابطه‌ی ریشه‌دار من و او نبود، کاری می‌کردم که سرانجام نیکو و پسندیده‌ای ندارد؛ زیرا آن‌طور که به ما گزارش می‌رسد، از ما زیاد عیب می‌گیرد و ما را به بدی یاد می‌کند.^۱

از این برخورد امام صادق علیه السلام با منصور که ما به بخشی از آن بسنده کردیم، در نوع ارتباط با دشمن و افشاگری اهداف او درس‌های مفیدی فهمیده می‌شود که بایستی در نحوه‌ی تعامل با دشمنان اسلام الگوی خود قرار دهیم.

۸. رفتار پسندیده

یکی از یاران امام صادق علیه السلام به محضر ایشان رسید و داستان مناظره‌ی خود با یکی از مخالفان امام درباره‌ی ولایت حضرت علی علیه السلام را بازگو کرد. حضرت از نوع برخورد او ناراحت شدند و فرمودند: «با مردم با اخلاق خودشان و به‌طور پسندیده رفتار

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۱۶۷.





کنید و مخالفت خود با آن‌ها را در عمل نشان دهید؛ چرا که هرکس محصول کردار خود را می‌بیند و روز قیامت با کسی محشور می‌شود که دوست دارد. مردم را بر ضد خودتان و ما نشورانید...»^۱

در این رهنمود ارزشمند، امام صادق علیه السلام یاران خود را از برخوردهای ناهنجار، ولو برای احقاق باوری حق باز داشته‌اند. بر این مبنا شیعیان در جامعه اسلامی باید با تمام انسان‌ها از هر ملیت و مذهبی خوش‌رفتار باشند و با روی گشاده برخورد کنند؛ یعنی در عین حال که از موضع حق خویش دفاع می‌کنند، از تحریک و توهین به دیگران پرهیز کنند و در مواجهه با آن‌ها و دفاع از معارف حق، با تدبیر و منطق پیش بروند، نه آنکه رفتارشان غیر معقول و اختلاف‌انگیز باشد.

۱. محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، *امالی للمفید*، ترجمه حسین استادولی، ص ۳۹: «... خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ وَ خَالِفُوهُمْ بِأَعْمَالِكُمْ...»



۹. اُنس با حق؛ آخرین سفارش

نماز باشکوه‌ترین عبادت بعد از توحید و شناخت خدای سبحان، برترین وسیله برای تقرب به خالق بی‌همتا، زیباترین گُرنش در برابر معبود و محبوب‌ترین رفتار انسان در پیشگاه پروردگار است؛ از این رو این واجب الهی، آخرین وصیت پیامبران علیهم‌السلام است. آخرین وصیت امام صادق علیه‌السلام به اطرافیان‌شان نیز توجه به نماز بوده است. براساس روایتی از همسر ایشان ام‌حمیده، امام صادق علیه‌السلام هنگام رحلت چشم‌هایشان را گشودند و فرمودند همه کسانی را که نزدیکان ایشان‌اند و میان امام و آن‌ها خویشاوندی است، جمع کنند. پس از آنکه همه جمع شدند، امام علیه‌السلام به آنان نگر بستند و فرمودند: «إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخِفًّا بِالصَّلَاةِ.» (همانا شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمرد، نخواهد رسید.)^۱

آری آن‌که حق بندگی و طاعت الهی را به‌جا نیاورد، شایستگی وساطت و شفاعت امام را نخواهد داشت.

۱. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، *امالی الصدوق*، ص ۴۸۴.





عرصه های جهاد علمی امام صادق علیه السلام

در عصر امام صادق علیه السلام که آشوب‌ها و درگیری‌های مذهبی، جامعه اسلامی را دچار پریشانی کرده بود، پرورش نهال تقوا، ایمان، علم و معنویت کاری غیرممکن می‌نمود؛ به خصوص که قضات و محدثان و مفسران که می‌بایست ملجأ و پناه مردم باشند، خود به گونه‌ای خطرناک‌تر، با جعل فرقه‌های انحرافی، مهره‌هایی در دستگاه خلافت و بازیچه دست امیران بودند! در این فضای مسموم و روزگار تاریک، امام صادق علیه السلام با عزمی راسخ، جهاد فکری و فرهنگی همه‌جانبه‌ای را آغاز کردند تا درسی باشد برای همگان که در اوج تاریکی و ظلمت هم می‌شود با تلاش و مجاهدت، نهال ایمان و تقوا را پرورش داد.





۱. شکوفایی دانشگاه جعفری

امام صادق علیه السلام از آشفتگی سیاسی و ضعف حکومت اموی، بهترین بهره را در شکوفاییِ فقه و فرهنگ تشیع بردند و با تلاشِ وافر، مراکز علمی بسیاری را دایر کردند تا دانشگاه جعفری، پایگاهی مطمئن باشد برای تحلیل باورهای دینی و ستیز با راهزنان اعتقادی که همواره در کمین فضیلت‌های انسانی نشست‌ه‌اند. هزاران نفر از سراسر عالم اسلامی با انبوه شبهات و سؤالات دینی به محضر امام صادق علیه السلام می‌رسیدند و در چشمه‌سار زلال علم و فقاہت حضرت، به حقیقت دست می‌یافتند؛ سپس خود با ذهنی شفاف، مروج تفکر ناب اسلامی می‌شدند. گسترش رشته‌های علمی مانند فقه و کلام و طب و فیزیک و شیمی، تحقیق و پژوهش در برترین سطح علمی جامعه، ابتکار و نوآوری، تربیت افراد متخصص متعهد و توانمند، وابستگی نداشتن به حکومتِ وقت و... که از ارکان یک دانشگاه محسوب می‌شود، در حد بسیار بی‌نظیری در دانشگاه جعفری وجود داشت؛ به طوری که ثمره آن سراسر جامعه اسلامی را فرا گرفته و شکوفایی علمی و فرهنگی بی‌سابقه‌ای را پدید آورده بود.^۱

به‌راستی در حال حاضر، دانشگاه‌های ما چقدر به معیارهای

۱. نک: حبیب‌الله احمدی، امام صادق علیه السلام؛ الگوی زندگی، ص ۲۴۶ و ۲۴۷.



دانشگاه جعفری نزدیک است و تا چه اندازه، فضای لازم برای پاسخ‌گویی به انبوه سؤالات دینی و اعتقادی دانشجویان را فراهم کرده است؟

۲. امام صادق علیه السلام و تربیت جوانان

امام صادق علیه السلام به بصیرت و بینش دینی جوانان عنایت ویژه‌ای داشتند. روزی عده‌ای از جوانان را دیدند که دور هم جمع شده بودند. خطاب به آنان فرمودند: «لَسْتُ أُحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا...» (دوست ندارم یکی از شما جوانان را ببینم؛ مگر در یکی از این دو حال: یا دانا یا درحال یادگیری و دانش‌اندوزی...). می‌بینیم که این بزرگوار علیه السلام به جذب و تربیت قشر جوان اهتمام خاصی داشتند. هشام بن حکم در شمار جوانانی بود که آیین منحرفی داشت. او توسط عمویش با امام صادق علیه السلام آشنا شد و با دیدار آن حضرت تحول عظیمی یافت؛ به طوری که اندیشه‌های باطلش فرو ریخت و به مدد استعداد شگرفش از اصحاب برجسته امام شد. در میان شاگردان جعفر بن محمد علیه السلام، چهره‌های درخشانی همانند هشام دیده می‌شود که هر یک در پرتو فضایل و تربیت ویژه آن حضرت،



فروغی تمام یافتند و مراحل کمال را چنان پیمودند که از جانب پیشوای عالی‌قدر خویش به نشر حقایق و معارف شیعه و مبارزه با شبهات و کج‌روی‌ها مأمور شدند.^۱



عرصه‌های جهاد سیاسی امام صادق علیه السلام از منظر رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)

امام صادق علیه السلام مرد علم و دانش بودند و وسعت تلاش‌های علمی آن بزرگوار در تاریخ امامان شیعه بی‌نظیر است؛ لیکن حضرت از ابتدای امامت خویش مشغول یک مبارزه دامنهدار و پیگیر برای تشکیل حکومت علوی بودند؛ چون «در مکتب تشیع...، امام و زمامدار سیاسی جامعه اسلامی، بایستی از سوی خدا معین و به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم معرفی شده باشد»^۲ و به عبارت دیگر، «امام یک جامعه همان قدرت فائده‌ای است که حرکت جمعی و منش فردی افراد جامعه را توجیه و رهبری می‌کند و در آن واحد، هم آموزگار دین و

۱. نک: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۳۶۹ و ۳۷۰.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، پیشوای صادق، ص ۶۹.

اخلاق و هم فرمانروای زندگی و تلاش آن هاست.»^۱
 در اینجا به نمونه‌هایی از فعالیت سیاسی امام صادق (ع) از منظر رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) و برگرفته از بیانات ایشان اشاره می‌کنیم:

۱. تبلیغ جریان اصیل امامت

امام صادق (ع) جمعی از مؤمنان وفادار و طرفداران جریان حکومت علوی را در سرتاسر عالم اسلام جذب کرده و تشکیلات عظیمی را ایجاد کرده بودند تا آن‌ها ضمن تبلیغ امامت، محل مراجعه مردم در تکالیف دینی و حقوقی‌شان باشند. در اواخر حکومت بنی امیه نیز امام به‌طور علنی در مراسم حج و روز عرفه که مسلمانان از همه سرزمین‌های اسلامی حضور داشتند، رسماً اعلام کردند که: «ای مردم، امروز حاکم بحق جعفر بن محمد است، نه ابی جعفر منصور!» دلیلش را نیز آوردند؛ بنابراین در آن جمعیت، برای روشن کردن حقایق، سلسله امامت را به مردم بیان فرمودند:^۲ «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ الْإِمَامَ ثُمَّ [كَانَ] عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ...»^۳

۱. سیدعلی خامنه‌ای، پیشوای صادق، ص ۷۰.

۲. نک: سیدعلی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۲۶۴.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۶۶؛ محمد باقر مجلسی،

بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۵۸.



۲. شیعه؛ نامی برای حزب امامت

شاهد دیگر بر ادعای تلاش‌های سیاسی ائمه علیهم‌السلام، مفهوم شیعه در فرهنگ تشیع است؛ چراکه «نام شیعه در فرهنگ تشیع و نیز در تفاهم و درک غیرشیعیان در قرن‌های نخستین اسلام و در زمان ائمه علیهم‌السلام [تنها] بر کسی اطلاق نمی‌شد که فقط محبت خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در دل داشته باشد؛ بلکه به جز این‌ها شیعه بودن یک شرط اساسی دارد و آن عبارت است از پیوستگی فکری و عملی با امام و شرکت در فعالیتی که به ابتکار و رهبری امام در جهت بازیافتن حق غصب شده و تشکیل نظام علوی در سطوح مختلف فکری و سیاسی و احیاناً نظامی انجام می‌شود و این همان است که در فرهنگ شیعه، ولایت نامیده می‌شود. در واقع شیعه نامی است برای حزب امامت.»^۱

با مرور اجمالی تاریخ زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام مشاهده می‌کنیم که برخی از شیعیان مخلص آن بزرگواران، قیام‌هایی را در راستای اهداف امام عصر خویش برنامه‌ریزی کرده و در این راه به فیض عظیم شهادت نائل آمده‌اند. قیام زید بن علی بن حسین در عصر امام صادق علیه‌السلام از جمله همین حرکت‌های سازنده است.



۳. انتصاب ولایت فقیه

از دیگر اقدامات سیاسی امام صادق علیه السلام ممنوعیت مراجعه شیعیان به دستگاه‌های قضایی و حکومتی وقت و ارجاع مردم به فقیهان جامع‌الشرایط به‌عنوان مرجع رسیدگی در امور حقوقی و نیازهای حکومتی بود. به‌عنوان مثال، یکی از یاران امام به نام ابن حنظله به‌محضر آن حضرت شرفیاب شد و پرسید: «یا ابوعبدالله، در منازعات و درگیری‌های دینی و حقوقی که میان برادران دینی رخ می‌دهد، بایستی به حکومت مراجعه کنیم که [در این صورت] به طاغوت مراجعه کرده‌ایم. پس چه کنیم؟» امام صادق علیه السلام در پاسخ به او فرمودند: «...مردم باید دقت کنند و از بین فقهای که راوی حدیث ما هستند و در احکام حلال و حرام ما صاحب‌نظرند و با احکام ما [اهل بیت] نیز آشنایی دارند، فقیهی را انتخاب کنند و در میان خود [شان] حاکم قرار دهند که من او را بر شما حاکم قرار دادم.»^۱

درحقیقت، امام صادق علیه السلام با این حکم، فقه جعفری را در برابر فقیهان رسمی و دولتی آن روزگار قرار داده و دو هدف عمده را تعقیب می‌کردند: نخست، اثبات بی‌نصبی دستگاه حکومت از آگاهی دینی و ناتوانی آن در اداره امور فکری مردم

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۷: «فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا...»



و دیگری مشخص ساختن نمونه‌های تحریف در فقه رسمی که ناشی از مصلحت‌اندیشی فقیهان در بیان احکام فقهی و ملاحظه‌کاری آنان در برابر خواست قدرت‌های حاکم بود. به این ترتیب، امام صادق علیه السلام با گستردن بساط علمی و بیان فقه و معارف اسلامی و... عملاً به معارضة با دستگاه خلافت و تهی ساختن آن از بُعد مذهبی اش برخاسته بود. می‌توان گفت تهدیدها و فشارها و سخت‌گیری‌های نامحدود منصور عباسی در برابر فعالیت‌های آموزشی و فقهی این امام بزرگوار علیه السلام که در بسیاری از روایات تاریخی از آن یاد شده است، ناشی از توجه به همین مطلب و احساس خطر خلفا بوده است.^۱

روایتی که به آن اشاره کردیم، نکته مهم دیگری را هم می‌رساند: در صورت نبود دسترسی به امام، فقیه جامع‌الشرایط از جانب امام معصوم علیه السلام به عنوان حاکم تعیین شده است و شیعیان در امور مختلف باید به افرادی مراجعه کنند که با بصیرت، به حلال و حرام الهی آگاه بوده و با دیگر ملاک‌های تعیین شده از سوی معصومان علیهم السلام نیز مطابقت داشته باشند. امام خمینی ره معمار کبیر انقلاب اسلامی نیز با عنایت به همین حدیث شریف و سایر روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده است، به تشکیل حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه اقدام کردند.





زیارت امام صادق علیه السلام

در آموزه‌های دینی به زیارت ائمه اطهار علیهم السلام سفارش فراوانی شده است و برای این عمل پسندیده، پاداش‌های بی‌شماری هم وعده داده شده است؛ چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا.»^۱ (هرکس من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت او را زیارت خواهم کرد و از هول و هراس‌های آن روز نجاتش خواهم داد.)

افزون بر پاداش‌های اخروی درباره برکات زیارت معصومان علیهم السلام در دنیا هم روایات بسیاری داریم؛ از جمله امام صادق علیه السلام درباره ثمره زیارت خودشان فرموده‌اند: «مَنْ زَارَنِي غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ وَلَمْ يَمُتْ فَقِيْرًا.»^۲ (هرکس من را زیارت کند، گناهانش بخشیده می‌شود و چنین کسی هیچ‌گاه فقیر و نیازمند نمی‌شود [و زندگی بابرکتی خواهد داشت].)

۱. جعفرین محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۱۱.

۲. تاج‌الدین شعیری، جامع الأخبار، ص ۲۷.



درود می‌فرستیم به روان پاک امام صادق علیه السلام که در زنده‌نگه داشتن فرهنگ شیعه مجاهدت عظیمی کردند و در حُسن ختام این نوشتار فرازی از زیارت نامه ائمه بقیع علیهم السلام را تقدیم می‌کنیم:

الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أُمَّةَ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
 أَهْلَ الْبِرِّ وَ التَّقْوَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَّجُ
 عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَامُ فِي
 الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
 أَهْلَ النَّجْوَى أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ
 صَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَ كُذِّبْتُمْ وَ أَسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ
 وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ وَ أَنَّ
 طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَ أَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ وَ أَنَّكُمْ
 دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَ أَنَّكُمْ
 دَعَايُمُ الدِّينِ وَ أَرْكَانُ الْأَرْضِ ...^۱

۱. جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۵۴،
 بانذکی تفاوت در کلمات؛ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۴۲۴.



سلام بر شما ای پیشوایان هدایت، سلام بر شما که اهل نیکی و پرهیزکاری هستید، سلام بر شما ای حجت‌های خدا بر اهل دنیا، سلام بر شما ای برپادارندگان عدالت در میان خَلق، سلام بر شما که برای برگزیده شدن شایسته هستید، سلام بر شما خاندان رسول خدایید، سلام بر شما که اهل راز و سرّ هستید. شهادت می‌دهم که شما احکام خدا را تبلیغ کرده و [مردم را] نصیحت کردید و به خاطر خداوند صبر کردید و تکذیب شدید و به شما بدی کردند؛ پس آن‌ها را بخشیدید و شهادت می‌دهم که شما پیشوایان هدایت‌کننده و هدایت‌شده هستید و اطاعت از شما واجب و کلامتان راست و درست است و شما [مردم را] دعوت کردید؛ ولی دعوتتان اجابت نشد و آن‌ها را به معروف امر کردید؛ ولی از شما اطاعت نشد و همانا [شهادت می‌دهم که] شما ستون‌های دین و رکن‌های روی زمین هستید...^۱

۱. نک: جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه قمی، کامل الزیارات، ترجمه سید محمد جواد ذهنی، ص ۱۶۱.





کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی .
۲. ابن قولویه (قمی)، جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه، کامل الزیارات، چ ۱، نجف: مرتضوی، ۱۳۵۶ ق.
۳. ابن قولویه (قمی)، جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه، کامل الزیارات، ترجمه سید محمد جواد ذهنی تهرانی، چ ۱، تهران: پیام حق، ۱۳۷۷ ش.
۴. احمدی، حبیب الله، امام صادق علیه السلام؛ الگوی زندگی، قم: نشر فاطیما، ۱۳۸۵ ش.
۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ترجمه علی زواره ای، ج ۲، چ ۳، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۲ ش.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۲، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۷. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، چ ۱۰، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۹ ش.



۸. خامنه‌ای، سیدعلی، *انسان ۲۵۰ ساله*، تهران: موسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۰ ش.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی، *پیشوای صادق*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۱۰. شعیری، تاج‌الدین، *جامع الأخبار*، چ ۱، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ ق.
۱۱. شیخ صدوق (قمی)، *ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، امالی للصدوق*، چ ۵، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۱۲. شیخ مفید (عکبری بغدادی)، *محمد بن محمد بن نعمان، امالی للمفید*، ترجمه حسین استادولی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴ ش.
۱۳. عباس قمی، *مفاتیح الجنان*، ترجمه حمیدرضا شیخی، به تصحیح و تحقیق بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چ ۵، مشهد: به‌نشر، ۱۳۹۱.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۱ و ۲ و ۴، چ ۲، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *فروع کافی*، ج ۵، چ ۳، بیروت: دار صعب، ۱۴۰۱ ق.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، ج ۱ و ۴ و ۷ و ۸، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.